

تأملی بر چیستی غرور ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه شهر اصفهان

سیدعلی هاشمیانفر^{۱*}، مینا جلالی^۲، سیدضیاء هاشمی^۳

(تاریخ دریافت ۹۰/۳/۲۹، تاریخ پذیرش ۹۰/۶/۱۵)

چکیده

در این مقاله تأثیر شخصیت (اعم از اقتدارطلب و دموکرات)، احساس کارآمدی (اعم از کارآمدی سیاسی و اجتماعی) و آگاهی سیاسی بر غرور ملی بررسی شده است. هدف پژوهش، توضیح مفهوم غرور ملی به معنای احساس مثبت افراد نسبت به کشورشان و مفهوم‌سازی آن در دو شکل ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه و همچنین بررسی تأثیر برخی از متغیرها بر غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه است.

از روش پیمایش برای تحقیق استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شهروندان بالای پانزده سال ساکن در مناطق چهارده‌گانه شهر اصفهان است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد آن‌ها ۱/۲۴۸/۷۵۴ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری سهمیه‌ای تعداد ۳۸۴ به‌عنوان نمونه انتخاب و بررسی شدند.

*j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۳. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

نتایج پژوهش حاکی از این است که غرور ملی ناسیونالیستی با شخصیت اقتدارطلب و کارآمدی سیاسی اجتماعی رابطه مثبت، و با شخصیت دموکراتیک و آگاهی سیاسی رابطه منفی دارد. در مقابل، غرور ملی میهن‌دوستانه با شخصیت اقتدارطلب و کارآمدی سیاسی رابطه منفی دارد و از سوی دیگر با شخصیت دموکراتیک، آگاهی سیاسی و کارآمدی اجتماعی رابطه آن مثبت است.

واژه‌های کلیدی: غرور ملی، شهر اصفهان، ناسیونالیسم، میهن‌دوستی، شخصیت، کارآمدی، آگاهی سیاسی.

۱. مقدمه

دولت‌های ملی همواره تلاش کرده‌اند غرور ملی را در بین ملت خود ارتقا دهند. این امر به‌ویژه در سده بیستم و در اوج رشد گرایش‌های ناسیونالیستی افزایش چشمگیری داشت؛ به‌شکلی که در میان تمام دولت‌های کوچک و بزرگ جهان تلاش برای ایجاد تاریخی حماسی و ایجاد غرور ملی حتی تا حد ملت‌سازی نیز پیش رفت. پس از پایان جنگ جهانی دوم و با عزم جامعه جهانی برای جلوگیری از فجایع این جنگ، جنبش‌های تندروی ناسیونالیستی جای خود را در ظاهر به دولت‌های صلح‌طلب ملی داد. اما حتی با این تغییر روش نیز تلاش برای حفظ و تقویت غرور ملی کاهش نیافت؛ بلکه تلاش در جهت ایجاد غرور ملی جنبه‌های دیگری نیز پیدا کرد که از آن جمله می‌توان به گرایش‌های میهن‌دوستانه غرور ملی اشاره کرد. غرور ملی میهن‌دوستانه در پی گسترش احساس غرور آن‌هم فقط از راه عملیات موفقیت‌آمیز نظامی و یا تکیه بر افتخارات تاریخی نیست؛ بلکه بر معیارهای جدیدی به‌عنوان معیارهای جایگزین تأکید می‌کند؛ مثل دستاوردهای علمی و تکنولوژیک، پیشرفت‌های اقتصادی و رفاهی، میزان تأثیرگذاری بین‌المللی، غرور به وجود دموکراسی در کشور، غرور به همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌های مختلف در کشور و غیره. در این دولت‌های صلح‌طلب شهروندان، دیگر افرادی منفعل در دست جنبش‌های ناسیونالیستی نیستند؛ بلکه شهروندانی فعال و منتقدند و علاوه بر اینکه به کشورشان علاقه دارند، در پی کشف ضعف‌ها و کاستی‌های پیش‌روی مملکت خود و رفع آن‌ها هستند.

۲. بیان مسئله

غرور ملی سازه‌ای چندبعدی است که در هر کشوری به واسطه شرایط منحصر به فرد تاریخی و اجتماعی آن شکل می‌گیرد و با موقعیت‌های ویژه مملکتی پیوندی عاطفی دارد. این پیوند عاطفی در شکل دادن احترام به قوانین سیاسی کشور، زبان اصلی، قوانین اجتماعی و غیره در بین شهروندان نقش مهمی ایفا می‌کند. غرور ملی مانند یک طیف عمل می‌کند: ممکن است بسیار شدید باشد، به گونه‌ای که به سمت گرایش‌های ناسیونالیستی و شوونیستی گام بردارد و به گرایش‌های جنگ‌طلبانه و بیگانه‌هراسی منجر شود؛ گاهی ممکن است غرور ملی آن‌قدر پایین باشد که خود، عاملی در ایجاد احساس یأس و خودباختگی ملی در بین مردم جامعه شود و نیز باعث بی‌انگیزگی احزاب سیاسی و عدم مشارکت فعال مردم در پیش‌گیری از سیاست‌های خارجی منفعلانه شود؛ سرانجام غرور ملی می‌تواند حالتی از اعتدال به وجود آورد؛ در این حالت فرد هم نسبت به مملکت خود احساس غرور می‌کند، هم برای دیگر ملت‌ها احترام قائل است و هم اجازه نمی‌دهد غرور بیجا نسبت به مملکتش، مانع از آن شود که ضعف‌ها و نارسایی‌های جامعه را ببیند. چنین احساس میهن‌دوستانه ناشی از غرور ملی پدیدآورنده احساس تعهد به ملت می‌شود و مشارکت فعال افراد میهن‌دوست را در امور جامعه به دنبال دارد. با توجه به مباحث مطرح شده در زمینه غرور ملی و اتفاق نظر اکثریت نظریه‌پردازان این حوزه، در یک جمع‌بندی، غرور ملی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی رویکرد ناسیونالیستی و تعریف عام پذیرفته شده از ناسیونالیست است که وفاداری غیرانتقادی و احساسی به ملتی و دیدگاه خصمانه به سایر ملت‌ها را در پی دارد و دیگری، رویکرد میهن‌دوستانه غرور ملی است که وفاداری انتقادی و عاقلانه به ملتی آن‌هم بدون داشتن دیدگاهی خصمانه به سایر ملت‌هاست.

۳. پیشینه نظری تحقیق

از نظر جرج اورول، مفهوم ناسیونالیسم^۱ را نباید با میهن‌دوستی^۲ یکی گرفت. این دو مفهوم کاملاً چالش‌برانگیز است. برای درک مفهوم آن‌ها باید آن دو را از هم جدا کرد؛ زیرا این دو

1. Nationalism
2. Patriotism

مفهوم دربردارنده ایده‌های متفاوت و گاه متضاد هستند. میهن‌دوستی علاقه شدید به مکانی خاص و روش زندگی خاصی است. هر میهن‌دوستی معتقد است میهن او بهترین مکان در جهان است؛ ولی برای ایجاد فشار بر سایر ملت‌ها هیچ تمایلی ندارد. اما ناسیونالیسم شکل تفکیک‌ناپذیری از تمایل ملت‌ها برای رسیدن به قدرت است. هدف همیشگی هر ناسیونالیستی، به دست آوردن قدرت و شأن اجتماعی بیشتر، نه فقط برای خود، بلکه برای ملت و سایر گروه‌هایی است که او خودش را در آن‌ها ذوب کرده است (Orwell, 1945: 2).

از نظر اورول، ویژگی‌هایی که می‌توان برای میهن‌دوستان قائل شد عبارت‌اند از: ۱. پیش‌فرض میهن‌دوستی افراد در هر کشوری، عشق به آن کشور است. ۲. میهن‌دوستان می‌دانند که اجتماع آن‌ها بدون قانون نمی‌تواند پیشرفت کند و این مسئله جاذبه قوانین سیاسی را برای آن‌ها بیشتر می‌کند؛ بنابراین آن‌ها برای قوانین احترام زیادی قائل‌اند. ۳. هر کشوری از افرادی تشکیل شده است که به‌طور جمعی خودشان را به‌عنوان بخشی از یک اجتماع بین‌نسلی در نظر می‌گیرند. ۴. قوانین قابل اجرای جمعی هنگامی که به ضرر چیزی یا کسی است، به‌سادگی از بین نمی‌رود؛ همچنین میهن‌دوستان ثابت‌قدم به‌منظور بازسازی اجتماعاتشان و مرمت کردن وظایفشان افرادی انتقادی هستند. ۵. در هر برهه‌ای، بین عشق به میهن و بنیان نهادن مؤسسات حکومتی به‌منظور سر و سامان دادن امور کشور، رابطه وجود دارد (Callan, 2005: 532-533). در مقابل، ناسیونالیست‌ها فقط به برتری گروه خویش فکر می‌کنند و کمترین اهانت به گروهشان یا هرگونه تحسین یا پیشرفت رقیبانشان برای آن‌ها ناراحت‌کننده است. به‌طور کلی، ناسیونالیست‌ها برتری در قدرت نظامی و فضیلت سیاسی را فقط برای گروه خودی نمی‌خواهند؛ بلکه معتقدند در هنر، ادبیات، ورزش، زبان و حتی زیبایی‌شناسی نیز افراد درون گروهشان برتر هستند (Orwell, 1945: 7).

بر اساس نظریه ماریزیو ویرولی^۱ که آن را در سال ۱۹۹۵م مطرح کرد، غرور ملی مفهومی است با دو ظرفیت متفاوت: مثبت (مثل ارزیابی مطلوب از دستاوردهای کشور) و منفی (مانند دیدگاه منفی به سایر کشورها و همچنین قضاوت‌های مثبت افراطی درباره کشور خودی که به این اعتقاد منجر شود: کشور من از دیگران برتر است) (Luksyte & Avery, 2010: 3).

1. Maurizio Viroli

تأملی بر چیستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

تجلی میهن‌دوستی را می‌توان در نظام‌های جمهوری^۱ دید. میهن‌دوستی به افراد می‌آموزد که باید شهروندانی متعهد باشند و برای دفاع از جمهوری و بهبود وضع زندگی‌شان آزادانه مشارکت کنند. این رهنمود با مشخص کردن مزایای میهن‌دوستی، روشن کردن تعهدات و توافقات عمومی در عرصه اجتماع و نیز از راه تصویرسازی پیشرفت‌های موفقیت‌آمیز کشور حاصل می‌شود نه با استفاده از تصاویر تند و تلخ تبعیض برگرفته از حافظه مشترک مردم و تحریک احساسات آن‌ها (Viroli, 1995: 8).

به باور ویرولی، ناسیونالیسم در اواخر سده هجدهم میلادی در اروپا برای تقویت یگانگی وحدت قومی، زبانی، فرهنگی و همگنی مردم پدید آمد؛ درحالی که میهن‌دوستی در نتیجه بسیج منابع اقتصادی و اجتماعی در دوران مرکانتیلیسم سده نوزده میلادی شکل گرفت و کم‌کم جایگزینی مناسب برای ناسیونالیسم شد. این جایگزینی بر اثر تغییری آرام در ویژگی‌های شخصیتی و عادت‌های ارتباطی در بین افراد جامعه به‌وجود آمد و آن را می‌توان پادزهر ناسیونالیسم دانست (Donahue, 2007).

بیشتر نظریه‌پردازان بر این مسئله اتفاق نظر دارند که از ویژگی‌های شخصیتی ثابت افراد ناسیونالیست، اقتدارطلب بودن آن‌هاست. تئودور آدرنو، فرانکل - براسنویک^۲، لوسینون^۳ و استنفورد^۴ در کار کلاسیک خود با نام *شخصیت اقتدارطلب* بین مفهوم میهن‌دوستی سالم، عشق و احساس مثبت فرد به کشورش و ارزش‌های ملی‌اش بر اساس فهمی انتقادی، با میهن‌دوستی کاذب قوم‌مدار و ناسیونالیسم - که پیشداوری و تنگ‌نظری نسبت به برون‌گروه‌ها را به دنبال دارد - تفاوت قائل می‌شوند. آن‌ها مقیاس شخصیت اقتدارطلب را با نام «مقیاس F» (فاشیست) و با ویژگی‌هایی مانند این‌ها در نظر گرفته‌اند: تحسین قدرت، پرخاشگری به برون‌گروه، سلطه‌پذیری از اقتدار، پیروی از رسوم، انعطاف‌ناپذیری، فرافکنی، ویرانگری و نگرانی در مورد موضوعات جنسیتی به‌منظور اندازه‌گیری دل‌بستگی کورکورانه به ارزش‌های فرهنگی ملی و هماهنگی غیرانتقادی با روش‌های گروه خودی و نپذیرفتن سایر ملت‌ها به‌عنوان برون‌گروه (Kasterman & Feshbach, 1989: 259).

-
1. Republic
 2. Frenkel-Brunswik
 3. Levinson
 4. Sanford

از دیدگاه آدرنو، به طور کلی ویژگی شخصیت اقتدارطلب، وجه تمایز افراد نامطمئن است که به خود تردید دارند و هرگز موفق نشده‌اند شخصیت ویژه خود را بسازند و تثبیت کنند. این گونه شخصیت‌ها در دوران آرامش که نظم اجتماعی تهدید نمی‌شود، به احزاب محافظه‌کار می‌پیوندند؛ اما اگر این نظم مورد تهدید واقع شود، تجاوزطلبی آن‌ها خودبه‌خود شدت می‌گیرد و آنان را به سوی نهضت‌های فاشیستی می‌راند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

از نظر باب آلت‌میر^۱ (۱۹۸۱-۱۹۸۸م) نیز اقتدارطلبی بر ناسیونالیسم تأثیرگذار است و بین آن و میهن‌دوستی غیرانتقادی ارتباطی قوی وجود دارد. فرد اقتدارطلب از رهبران نیرومند حمایت می‌کند و سطوح پایینی از مشارکت سیاسی را از خود نشان می‌دهد. اشخاصی که نمره بالایی در مقیاس اقتدارطلبی به دست می‌آورند، متعصب، قوم‌مدار و بی‌اعتقاد به آزادی‌های مدنی هستند. این دسته از افراد برون‌گروه‌ها را افرادی مهاجم و بالقوه خطرناک می‌بینند و حامیان جدی دولت برای محدود کردن گروه‌های بالقوه خطرناک هستند. مقیاس آلت‌میر سه ویژگی شخصیت اقتدارطلب را می‌سنجد که شامل عرفگرایی^۲، سلطه‌پذیری قدرت طلبانه^۳ و پرخاشگری قدرت طلبانه^۴ است. افراد با نمره بالای RWA به همراهی با ارزش‌های سنتی و تصدیق هنجارهای جامعه گرایش دارند. همچنین در مقابل قدرت‌های اجتماعی و سیاسی مسلط، سلطه‌پذیر هستند و در برابر اقلیت‌ها و برون‌گروه‌ها پرخاشگرند. چنین شخصیت‌هایی بسیار برون‌گرا، و در پی محدود کردن آزادی‌ها هستند (Schatz, 1994: 164). اگر شخصیت اقتدارطلب آدرنو و آلت‌میر را زمینه شخصیتی افراد ناسیونالیست در نظر بگیریم، می‌توان ادعا کرد که افراد میهن‌دوست با ویژگی‌های انتقادی و پذیرش اجتماعی بالایشان، دارای ویژگی‌های شخصیت دموکراتیک هستند.

هارولد لاسول در اوایل دهه پنجاه، احتمالاً نخستین پژوهنده‌ای بود که در باب شخصیت دموکراتیک به تفصیل گفت‌وگو کرد. از نظر لاسول، منش دموکراتیک دارای چهار ویژگی است: ۱. باز بودن و اجتماعی بودن که در نتیجه روابط گسترده با دیگران به وجود می‌آید. ۲. اولویت دادن به ارزش‌ها و خواست‌های مشترک با دیگران (به این معنا که فرد فقط متکی بر یک

1. Bob Altemeyer
2. Conventionalism
3. Authoritarian Submission
4. Authoritarian Aggression

تأملی بر چپستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

ارزش نیست). ۳. اعتماد پایدار به نیک بودن نهاد بشر (یعنی پایین بودن میزان بی‌اعتنایی یا بی‌علاقگی و بالا بودن اعتماد به نفس). ۴. نفوذ این سه ویژگی به ناخودآگاه فرد. به نظر لاسول، جامعه دموکراتیک نیازمند شخصیت دموکراتیک است و میان این دو روابط متقابلی وجود دارد. شخصیت دموکراتیک توصیف آن‌گونه از شخصیت افرادی است که فعالانه در سیاست دموکراتیک، محل کار و انجمن‌های داوطلبانه و احتمالاً در خانواده‌های دموکراتیک مشارکت دارند. فرد دموکرات خواهان مشارکت در ساختار سیاسی دموکراتیک و فرایندهای دموکراتیک در سیاست، محل کار، انجمن‌ها، خانواده یا این‌گونه ساختارها و فرایندهاست. در عین حال، به آن نوع از شخصیت اشاره دارد که با مشارکت در این قبیل ساختارها و فرایندهای دموکراتیک، به شکل گرفتن یا دگرگون شدن نیز گرایش دارد (لیپست، ۱۳۸۳: ۹۴۳).

یورگن هابرماس نیز از نظریه‌پردازانی است که با دیدگاهی انتقادی مسئله دل‌بستگی ملی را ارزیابی می‌کند. او میهن‌دوستی قانونی را جایگزینی مناسب برای ناسیونالیسم می‌داند. از نظر هابرماس، میهن‌دوستی قانونی تصدیق آگاهانه اصول سیاسی است که ناشی از هویت‌های فراقراردادی^۱ و آگاهی سیاسی افراد است. در این میان افراد یاد می‌گیرند بی‌طرف باشند و تا آنجا که ممکن است از خواسته‌های خود و انتظارات اجتماعی قراردادی موجود در جامعه چشم‌پوشی کنند. این هویت تمرکززدایی^۲ شده افراد را از حالت مطلق درمی‌آورد و آن‌ها را در آنچه که می‌خواهند به‌دست آورند و آنچه که دیگران از آن‌ها انتظار دارند، نسبی می‌کند (Muller, 2006: 286). هابرماس بر فضای عمومی به‌عنوان مکانی برای بحث‌های منطقی در بین شهروندان تأکید می‌کند. در این فضای عمومی، شهروندان خود را آزاد و برابر می‌یابند و در فرایندهای دموکراتیک مشارکت می‌کنند و اصول عام^۳ پذیرفته‌شده را به‌گونه‌ای میهن‌دوستانه تصدیق می‌کنند (Ibid, 288). در این میان، قانون کارکردی سه‌گانه ایفا می‌کند: به‌طور عمومی هم از حقایق تاریخی حفاظت می‌کند، هم شکلی از پذیرش دموکراتیک را ایجاد می‌نماید و هم پدیدآورنده انسجام و یک‌پارچگی در بین افراد دموکراتیک است (Ibid, 292).

1. Post-Conventional Identities

2. De-Centered

3. Universal

هم دموکراسی و هم شهروندی - هر دو - در تبلور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق اخلاقی خود، باید به شکل نوعی میهن دوستی دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی و نیز نوعی وحدت جهان وطنی تحقق یابد. پس منظور از میهن دوستی دموکراتیکی که بر قانون اساسی استوار است، چیزی جز نوعی از هویت مشترک مبتنی بر اصول انتزاعی زندگی دموکراتیک ملحوظ در قانون اساسی نیست و در برابر بازخوانی غیرانتقادی ملیت، فرهنگ، قومیت، دین، نژاد، زبان و تاریخ قرار می گیرد. منظور از وحدت جهان وطنی نیز برگرفتن الگویی از جامعه است که بر اصول نهادین انتزاعی مثل آزادی یکسان برای تمام شهروندان جهانی و بر اساس حقوق شهروند جهانی بنا شود و بر اصول مورد اتکای دولت مبتنی بر قانون اساسی نیز استوار باشد (منوچهری، ۱۳۸۵: ۲۰).

میهن دوستی قانونی شکلی از هویت شهروندی را بر پایه اصول دموکراتیک ایجاد می کند و با مشارکت کردن در عمل جمعی، اصول دموکراسی قانونی [۱] شکل می گیرد. اگر در این جامعه شهروندان خود را در تولید فرایندهای دموکراسی شورایی^۱، همراه با اصول قانونی عام^۲ شریک بدانند، این عملکردها را از آن خود می دانند؛ به برخی از جنبه های مشترک تاریخشان مغرور می شوند؛ با برخی از نهادهای اجتماع سیاسی شان و عملکردهای آنها هویت یابی می کنند و سرانجام در مقام شهروندانی ظاهر می شوند که دنباله روی دستاوردهای جمعی اجتماعشان هستند. بنابراین از نظر هابرماس، چنین میهن دوستی قانونی ای می تواند اساساً جایگزین ناسیونالیسم شود (Hayward, 2006: 5).

از عوامل تأثیرگذار بر ناسیونالیست یا میهن دوست بودن اعضای هر ملتی، اعتقاد آنها به توانایی هایشان است. در نظریه کارآمدی^۳ آلبرت بندورا مشاهده می شود که احساس کارآمدی چه در سطح عامل های انسانی و چه در سطح گروه - با توجه به پیامدهایی که در بین افراد جامعه دارد، از جمله بالا بردن عزت نفس آنها و باورداشت توانایی ها و قابلیت های بالقوه و بالفعل در سطح جامعه - به ایجاد حس غرور در بین اعضای جامعه منجر می شود. به عبارت دیگر، خودکارآمدی^۴ در سطح فردی و بالاتر از آن کارآمدی جمعی ادراک شده توسط جامعه و

1. Democratic Deliberative Processes
2. Ununiversalistic Constitutional Principle
3. Efficacy
4. Self-Efficacy

تأملی بر چیستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

باور اینکه ما توانمند هستیم، پیش‌زمینه‌ای برای ایجاد حس غرور به داشته‌ها و خوش‌بینی به آینده پیش‌رو است.

بندورا کارآمدی را در دو سطح فردی و اجتماعی مطرح می‌کند. از نظر او، خودکارآمدی - که در سطح فردی از آن یاد می‌شود - توان سازنده‌ای است که به وسیله آن مهارت‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف به گونه‌ای اثربخش سازمان‌دهی می‌شود. به اعتقاد بندورا، داشتن دانش، مهارت و دستاوردهای قبلی برای افراد، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای عملکرد آینده آن‌ها نیست؛ بلکه این باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام امور است که بر چگونگی عملکرد افراد اثرگذار است (عبداللهی، ۱۳۸۵: ۳۵). کارآمدی جمعی ادراک‌شده^۱ و باورداشت توانایی‌ها و قابلیت‌های گروه در انجام وظایف نیز در فعالیتهای جمعی انسان نقشی اساسی دارد؛ زیرا تعهد به گروه را افزایش می‌دهد و احساس ناتوانی به احساس قدرت و توانایی بدل می‌شود. همچنین کارآمدی جمعی ادراک‌شده می‌تواند به رفتار اعضا، اهداف، تمایلات، توقعات، درک موانع، فرصت‌ها و چالش‌های گروه جهت دهد (Bandara, 2000: 75). اعتقادات مشترکی که افراد در کارایی جمعی به آن می‌رسند، بر میزان تلاش آن‌ها برای رسیدن به آینده مطلوب تأثیرگذار است؛ به چگونگی استفاده از منابع در دسترس جهت می‌دهد؛ مسیر فعالیت گروه‌ها، اولویت دستیابی به اهداف و میزان تلاش فرد را در گروه برای رسیدن به هدف مشترک مشخص می‌کند؛ در میزان استقامت افراد، هنگامی که تلاش‌های جمعی شان شکست می‌خورد و با بحران روبه‌رو می‌شوند، تأثیرگذار است. کارآمدی جمعی ادراک‌شده دیدگاه افراد را در غلبه بر مشکلات حاد اجتماعی و تناقضات و دشمنی‌های شدید شکل می‌دهد؛ همچنین سردرگمی یا هدفمند بودن افراد و خوش‌بین یا بدبین بودنشان به آینده، ناشی از شدت یا ضعف این احساس در بین افراد جامعه است (Ibid, 45-46).

بندورا برای اینکه خودکارآمدی با مفهوم خودخواهی (خودمداری) اشتباه گرفته نشود، خودخواهی را در تضاد با شخصیت مدنی و اشتراکی افراد در جامعه می‌داند؛ درحالی که خودکارآمدی زندگی اجتماعی گروهی را پرورش می‌دهد. پژوهش‌های گوناگون هم اثبات

1. Perceived Collective Efficacy

کرده است که حسن بالای خودکارآمدی، همکاری و همپاری را در بین اعضای جامعه تشویق می‌کند (Ibid, 77).

اگر افراد جامعه‌ای به این باور برسند که با عمل جمعی و فعالیت‌های جمعی اثبات می‌توانند تغییرات مطلوبی در جامعه به وجود آورند و علاوه بر آن، نظام حکومتی‌شان را قابل اعتماد ارزیابی کنند؛ در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکتی فعال از خود نشان می‌دهند. اما در مقابل، اگر افراد، نظام‌های حکومتی و اداری را غیرقابل اعتماد ارزیابی کنند و از سوی دیگر نظام حکومتی نیز فنون جبری را، آن‌هم خارج از کانال‌های تعریف‌شده سیاسی در جامعه، در پیش بگیرد؛ این زمینه‌ها به کاهش احساس کارآمدی سیاسی در جامعه منجر می‌شود. افراد در چنین جامعه‌ای به این نتیجه می‌رسند که نظام سیاسی حاکم منافع و علایق آن‌ها را نادیده می‌گیرد و آن‌ها هم توانایی تأثیرگذاری بر کارکردهای حکومتی از طریق ابتکار جمعی^۱ را ندارند؛ بنابراین نوعی بی‌میلی به نظام سیاسی در جامعه ایجاد می‌شود (Ibid, 78).

۴. غرور ملی در پژوهش‌های تجربی

۴-۱. پژوهش‌های داخلی

اگرچه تحقیقات وسیعی درباره هویت ملی در ایران انجام گرفته است، تحقیقی که به‌طور مشخص غرور ملی را به‌عنوان مسئله اصلی تحقیقات اجتماعی بررسی کند در بین پژوهش‌های داخلی دیده نمی‌شود. در تحقیقاتی هم که غرور ملی در آن‌ها واکاوی شده، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از هویت ملی و به‌صورت مسئله‌ای فرعی در نظر گرفته شده است. برای مثال، در *پیمایش سراسری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان* که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) آن را انجام داد، در قسمت مربوط به هویت فقط یک سؤال درباره غرور ملی ایرانیان مطرح شده که نتایج آن به این شرح است:

- ۴/۴ از ایرانیان غرور ملی کم داشتند.

- ۶/۲ از ایرانیان تا حدودی به کشور خود مغرور بودند.

- ۸۹/۵ از ایرانیان غرور ملی زیادی داشتند.

۲-۴. پژوهش‌های خارجی

غرور ملی به‌عنوان مسئله محوری تحقیق، در بسیاری از پژوهش‌های خارجی مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به پیمایش سراسری ISSP^۱ و پژوهش‌های ام دی آر ایونز و جانانان کلی (2003)، تام اسمیت و لارس جارکو (2006) و میشل ملدرز (2009) اشاره کرد. این تحقیقات غرور ملی و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن را در ۲۴ کشور اروپایی، آمریکایی و آسیایی سنجیده‌اند.

در بین تحقیقات گسترده‌ای که درباره غرور ملی و ناسیونالیسم و میهن‌دوستی انجام شده است، به‌طور مشخص می‌توان به تحقیق رابرت تی شاتز و اروین استاب (1999) با عنوان *تفاوت در دل‌بستگی ملی: میهن‌دوستی کورکورانه در مقابل میهن‌دوستی استنباطی* اشاره کرد. آن‌ها با مطالعه جامعه آمریکا نشان داده‌اند که میهن‌دوستی کورکورانه یا همان ناسیونالیسم با ارزیابی مثبت از سایر افراد، میزان پذیرش اجتماعی، احساس کارآمدی سیاسی، احساس کارآمدی اجتماعی، میزان آگاهی سیاسی و فعالیت‌های سیاسی هم‌بستگی منفی دارد. اما در مقابل، میهن‌دوستی استنباطی با این گویه‌های مطرح‌شده هم‌بستگی مثبت دارد.

دفیگوردو^۲ و الکینز^۳ (2002) نیز در تحقیقی با عنوان *آیا میهن‌دوستان متعصب هستند؟ تحقیقی درباره معایب غرور درون‌گرومی*، با بررسی چهار نظریه روان‌شناسی اجتماعی (تضاد واقع‌گرایانه، ناکامی - پرخاشگری، نفوذ اجتماعی و شخصیت اقتدارطلب) رابطه آن‌ها را با غرور ملی سنجیده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، شخصیت اقتدارطلب و ناکامی شخصی به‌گونه‌ای مثبت با پیشداوری و ناسیونالیسم هم‌بستگی دارد. همچنین ناسیونالیسم با پیشداوری و دشمنی با مهاجران ارتباطی قوی دارد؛ درحالی که میهن‌دوستی با دشمنی با مهاجران هم‌بستگی ندارد و رابطه‌ای معکوس با پیشداوری از خود نشان می‌دهد.

۵. فرضیه‌های پژوهش

۵-۱. بین شخصیت اقتدارطلب و غرور ملی رابطه وجود دارد.

1. International Social Survey Program
2. De Figueiredo
3. Elkins

۵-۲. بین شخصیت دموکراتیک و غرور ملی رابطه وجود دارد.

۵-۳. بین آگاهی سیاسی و غرور ملی رابطه وجود دارد.

۵-۴. بین احساس کارآمدی و غرور ملی رابطه وجود دارد.

از آنجایی که متغیر وابسته پژوهش دو گونه دارد (میهن دوستی و ناسیونالیسم)، در ادامه رابطه بین متغیرهای وابسته با غرور ملی ناسیونالیستی و میهن دوستانه به طور جداگانه بررسی شده است.

۶. روش شناسی تحقیق و جمع آوری داده‌ها

این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهشی، تحقیقی پیمایشی است و از نظر هدف، کاربردی است. در این تحقیق واحد اصلی تجزیه و تحلیل، فرد برگزیده در نمونه آماری است. سطح تحلیل، کلان است و برای جمع آوری اطلاعات به افراد مراجعه شده است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش مصاحبه سیستماتیک در قالب پرسش نامه‌ای با سؤالات بسته استفاده شده است.

۷. نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، شهروندان بالای پانزده سال اصفهان است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد آن‌ها ۱/۲۴۸/۷۵۴ نفر است. نمونه‌گیری با استفاده از روش سهمیه‌ای از بین مناطق چهارده گانه شهر اصفهان انجام گرفته و حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شده است. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده است. در این فرمول P احتمال وجود صفت، q احتمال نبود صفت، N تعداد جامعه آماری، t حدود اطمینان و d فاصله اطمینان است. مقدار t با سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر با ۱/۹۶ در نظر گرفته شده است. همچنین مقادیر احتمال P و عدم احتمال q ، با احتساب از نمونه اولیه در جدول زیر آمده است. مقدار دقت احتمالی نیز ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. این مقدار در علوم اجتماعی نقطه بحرانی است و خطای بیشتر از این مقدار پذیرفتنی نیست (رفیع پور، ۱۳۷۵: ۳۸۲). مراحل جایگزینی مقادیر در فرمول زیر آورده شده است:

تأملی بر چپستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = 384 \quad n = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{1248754} \times (\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} - 1)}$$

۸. اعتبار و قابلیت اعتماد تحقیق

مفهوم اعتبار به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. در این تحقیق ابتدا مبانی نظری هر متغیر پنهان مطالعه، و ابعاد آن مفهوم مشخص شده است. در ادامه سؤالاتی به منظور بررسی ابعاد مفاهیم مطالعه مطرح، و از بین آن‌ها برخی انتخاب شده است (اعتبار نمونه‌ای). سرانجام برای تأیید اعتبار صوری، سؤالات پژوهش توسط چند جامعه‌شناس و متخصص مورد تأیید قرار گرفته است.

مناسب‌ترین روش برای سنجش قابلیت اعتماد طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ است. این روش برای محاسبه همابستگی درونی ابزار اندازه‌گیری، از جمله پرسش‌نامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلفی را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود. در تحقیقات اجتماعی، آلفای بالاتر از ۰/۷ مطلوب و آلفای بالاتر از ۰/۵ قابل قبول است. در جدول زیر به تفکیک آلفای هر کدام از متغیرهای مورد مطالعه آمده است.

جدول ۱ ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

| ردیف | متغیرها | نوع متغیر | ضریب آلفای کرونباخ |
|------|-----------------|-----------|--------------------|
| ۱ | ناسیونالیسم | وابسته | ۰/۸۶۷ |
| ۲ | میهن‌دوستی | وابسته | ۰/۷۳۱ |
| ۳ | کارآمدی سیاسی | مستقل | ۰/۵۴۱ |
| ۴ | کارآمدی اجتماعی | مستقل | ۰/۵۳۹ |
| ۵ | آگاهی سیاسی | مستقل | ۰/۷۶۹ |
| ۶ | شخصیت اقتدارطلب | مستقل | ۰/۵۸۷ |
| ۷ | شخصیت دموکراتیک | مستقل | ۰/۵۰۴ |

۹. تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم پژوهش

متغیرهای نوع شخصیت، آگاهی سیاسی و احساس کارآمدی متغیرهای مستقل و غرور ملی ناسیونالیستی و غرور ملی میهن‌دوستانه متغیرهای وابسته پژوهش است.

۹-۱. نوع شخصیت

منظور از نوع شخصیت در این پژوهش، بررسی دو نوع از شخصیت اقتدارطلب و شخصیت دموکراتیک با الهام از نظریات آدرنو، آلتیر و لاسول است. هابرماس نیز بر افرادی که در نظام‌های دموکراتیک پرورش یافته‌اند و نقش آن‌ها در توسعه میهن‌دوستی قانونی تأکید می‌کند. شخصیت^۱ را می‌توان الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار دانست که اسلوب شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می‌زند. برای توصیف شخصیت هر کسی، معمولاً به ویژگی‌های شخصیتی او اشاره می‌کنیم؛ یعنی به صفاتی از قبیل باهوش بودن، برونگرا بودن، باوجدان بودن و مانند آن‌ها (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۴۴۰).

شخصیت اقتدارطلب^۲ در روان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان زمینه روان‌شناسی نظام‌های غیردموکراتیک و بسته بررسی شده است. این مفهوم به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مانند تسلیم‌پذیری در برابر قدرت برتر، سلطه‌جویی بر زیردستان و نداشتن احساس برابری با دیگران (یعنی احساس برتر بودن یا فروتر بودن از دیگران) اشاره دارد. شخصیت اقتدارطلب اساساً ضعیف، وابسته و ناامن است و برای دستیابی به احساس امنیت، قدرت جهان را در نظم و انتظام جست‌وجو می‌کند و یا در پی ایجاد چنین نظم و انتظامی است. این شخصیت خواستار جامعه‌ای سلسله‌مراتبی و منظم است که با مفهوم جامعه باز و دموکراتیک چندان نسبتی ندارد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۰۲). شخصیت‌های اقتدارطلب در صورت امکان، تا آنجا پیش می‌روند که از قدرت خود بیشترین استفاده را بکنند؛ اما وسواس قدرت آن‌ها در جهت دیگر نیز پیش می‌رود. آن‌ها بدون قید و شرط و به مدت نامحدود قدرت را می‌پذیرند و از آن طرفداری می‌کنند. چون این افراد از دگرگونی ترس دارند، اطاعت از قدرت قوی برایشان

1. Personality
2. Autoritism Personality

تأملی بر چپستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

احساس ایمنی به همراه می‌آورد؛ زیرا حفظ موقعیت، آن‌ها را در مقابل دگرگونی‌های پیش‌بینی‌ناپذیر بهتر تضمین می‌کند (بدار، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

رویکرد روان‌شناسانه برجسته در زمینه توضیح حمایت عمومی از مقیاس‌های ضد دموکراتیک در مطالعات کلاسیک **شخصیت قدرت‌طلب** آدرنو و دیگران دیده شده است؛ اما در حال حاضر مقیاس رایج‌تر برای سنجش قدرت‌طلبی، مقیاس اقتدارطلبی راست‌گرایانه^۱ (RWA) باب آلتیمیر (۱۹۸۱-۱۹۸۸م) است. این مقیاس ترکیب و تعدیلی از ویژگی‌های شخصیت اقتدارطلب [۲] آدرنو و دیگران است (Cohrs et al., 2005: 264). شاخص‌هایی که برای سنجش شخصیت اقتدارطلب در این مقیاس در نظر گرفته شده است، عرفگرایی، سلطه‌پذیری قدرت‌طلبانه و پرخاشگری قدرت‌طلبانه است.

در مقابل شخصیت اقتدارطلب از شخصیت دموکراتیک^۲ صحبت می‌شود. این نوع شخصیت، مستعداً مشارکت در حیات عمومی است و زندگی سیاسی را عرصه فعالیت میان افراد برابر می‌داند. شخصیت دموکراتیک از سلطه‌جویی بر دیگران و پیروی کورکورانه از قدرتمندان - که دو ویژگی اصلی و توأمان شخصیت اقتدارطلب است - پرهیز می‌کند. نحوه شکل‌گیری شخصیت دموکراتیک این‌گونه است که این نوع از ویژگی‌های شخصیتی درون ساختارها و فرایندهای دموکراتیک شکل می‌گیرد و بر تقویت آن ساختارها و فرایندها تأثیر می‌گذارد؛ محصول فرایندهای پیچیده جامعه‌پذیری است و عوامل مختلفی، به‌ویژه نوع ساختار قدرت سیاسی بر تشکیل یا عدم تشکیل آن تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۰۲). برای سنجش این مفهوم از مقیاس لیکرت و از گزاره‌های محقق‌ساخته‌ای چون «احترام به عقاید و ارزش‌های دیگران»، «اعتقاد به آزادی بیان» و «فعالیت گروه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف» استفاده شده است.

۲-۹. آگاهی سیاسی

اورول معتقد است برای نهادینه شدن میهن‌دوستی در جامعه، تغییر در بینش و آگاهی افراد نسبت به اوضاع جامعه نیز ضرورت دارد. هابرماس نیز آگاهی سیاسی را لازمه میهن‌دوستی

1. Right-Wing Authoritarian

2. Democratic Personality

قانونی می‌داند. بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آگاهی سیاسی بر غرور ملی نیز پرداخته‌ایم. آگاهی سیاسی، آگاهی افراد از اموری است که به خرده‌نظام سیاسی مربوط می‌شود. برای سنجش میزان آگاهی افراد از مسائل سیاسی، دانش و آگاهی آن‌ها درباره مسائل سیاسی بررسی شده است. دانش افراد در این زمینه در قالب شش سؤال متفاوت درباره میزان آگاهی افراد از اطلاعات سیاسی سنجیده شده است. افرادی که توانایی پاسخ‌گویی به این سؤالات را داشتند، از هر سؤال یک امتیاز و در مجموع شش امتیاز به‌دست آورده‌اند و افرادی که توان پاسخ‌گویی نداشتند، در صورت پاسخ ندادن به هر سؤال، صفر امتیاز گرفته‌اند. در ادامه، گویه‌های مربوط به سنجش دانش سیاسی آورده شده است.

۳-۹. احساس کارآمدی

کارآمدی احساسی است که در افراد باورهایی مانند توانایی به ایجاد یک اثر یا نتیجه‌ای مطلوب را به‌وجود می‌آورد؛ به‌عبارت دیگر درک یا قضاوت افراد در مورد توانایی انجام کاری خاص آن‌هم به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز است. خودکارآمدی بر سطح انگیزش افراد اثرگذار است. باور داشتن خودکارآمدی بر گزینش اهداف، میزان تلاش برای انجام وظایف، میزان استقامت و پشتکار در رویارویی با مشکلات و میزان تحمل فشارها اثر می‌گذارد. افراد خودکارآمد در مواجهه با رویدادهای دشوار استقامت و پشتکار زیادی به خرج می‌دهند و از منابع مختلف فردی و محیطی بازخوردهای مثبتی دریافت می‌کنند؛ این بازخوردها نیز به‌عنوان تقویت‌کننده خودکارآمدی عمل می‌کنند. برعکس، افرادی با خودکارآمدی پایین و یا افرادی که برای کسب نتایج مورد انتظار تلاش نمی‌کنند، بازخوردهایی دریافت می‌کنند که ناتوانی آن‌ها را در انجام وظایف نشان می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۸۵: ۳۶).

بر اساس نظریه کارآمدی بندورا، رابطه احساس کارآمدی سیاسی و اجتماعی را با غرور ملی بررسی کرده‌ایم. احساس کارآمدی بر این مسئله تأکید دارد که فرد خود را تا چه حد برای مشارکت در امور اجتماعی توانمند می‌داند و تا چه حد احساس می‌کند که می‌تواند بر این امور اثرگذار باشد. کارآمدی سیاسی نیز به این مهم اشاره می‌کند که فرد خود را تا چه حد برای مشارکت در سیاست شایسته می‌داند و تا چه حد احساس می‌کند که بر امور سیاسی

تأملی بر چیستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران
کشورش اثرگذار است. در این پژوهش، کارآمدی اجتماعی و سیاسی با استفاده از طیف
لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

۹-۴. غرور ملی

از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، دل‌بستگی ملی و احساسی که در پی آن در بین اعضای
جامعه رشد می‌کند، می‌تواند به دو شکل ظاهر شود. به عبارت دیگر، غرور ملی^۱ مفهومی با دو
ظرفیت متفاوت مثبت و منفی است. غرور ملی مثبت یا همان میهن‌دوستی به توسعه اشکال
شهروندی و سیاست‌های بازتوزیعی در جامعه کمک می‌کند، بین اقلیت‌های قومی و فرهنگی
یک‌پارچگی ایجاد می‌کند، باعث گسترش مشارکت مدنی می‌شود و نیاز جوامع امروز را به
شهروندانی فعال و متعهد فراهم می‌آورد. در رویکرد میهن‌دوستانه غرور ملی، فرد هم نسبت به
مملکت خود احساس غرور می‌کند، هم برای دیگر ملت‌ها احترام قائل است و هم اجازه
نمی‌دهد غرور بیجا نسبت به مملکتش مانع از دیدن ضعف‌ها و نارسایی‌های جامعه شود.
چنین احساس میهن‌دوستانه‌ای تعهد در برابر ملت و مشارکت فعال افراد میهن‌دوست در امور
جامعه را در پی دارد (Schatz & Staub, 1999). در مقابل، غرور ملی منفی یا همان
ناسیونالیسم می‌تواند ضمن ایجاد هماهنگی و مشارکت منفعلانه در بین اعضای ملت، عاملی
در توسعه سیاست خارجی تجاوزکارانه، نپذیرش ضعف‌ها و نارسایی‌های کشور و خصومت با
سایر دولت‌ها و ملت‌ها شود (Brubaker, 2004: 121).

غرور ملی احساس مثبتی است که افراد در نتیجه ارزیابی‌شان از هویت ملی خود تجربه
می‌کنند و می‌تواند در دو شکل میهن‌دوستانه و ناسیونالیستی ظاهر شود (Smith & Kim, 2006: 127). منظور از غرور ملی ناسیونالیستی، نوعی از آگاهی به عضویت در ملت یا
وابستگی به ملت است که اغلب پدیدآورنده وفاداری و شور و علاقه افراد به عناصر
تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت و عادت، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و به‌طور کلی
فرهنگ) است؛ گاهی هم تجلیل فوق‌العاده از این عناصر و اعتقاد به برتری آن‌ها بر مظاهر و
عناصر ملی دیگر ملت‌ها را در پی دارد (آشوری، ۱۳۸۴: ۳۲۰). منظور از غرور ملی
میهن‌دوستانه نیز احساس هویت‌یابی همراه با دل‌بستگی عاطفی به کشور خودی و در مقابل،

1. National Pride

نداشتن نگرشی خصمانه به سایر کشورهاست. غرور ملی میهن‌دوستانه ضعف‌ها و نارسایی‌های کشور را انکار نمی‌کند و برای رفع آن‌ها در تلاش است. میهن‌دوستی، دل‌بستگی به ملت و نهادها و دستاوردهای آن است که اغلب از اعتقادات و ارزش‌های مربوط به نظام اجتماعی کشور شکل می‌گیرد (De Figueredo & Elkins, 2002: 14).

در این پژوهش غرور ملی متغیر وابسته در نظر گرفته شده و برای سنجش آن، از پرسش‌نامه ریک کاسترمن و سیمور فشباخ (1989) استفاده شده است. این دو سعی در مقیاس‌سازی میهن‌دوستی و ناسیونالیسم داشته‌اند. این متغیر در قالب طیف لیکرت، با دو نوع غرور ملی ناسیونالیستی و غرور ملی میهن‌دوستانه مورد سنجش قرار گرفته است.

برای سنجش غرور ملی ناسیونالیستی افراد از پرسش‌نامه فشباخ در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. فشباخ در این پرسش‌نامه، برای سنجش این مفهوم بر جنبه‌هایی تأکید دارد که فرد بدون ارزیابی‌های انتقادی، کشور خود را دوست دارد و به آن مغرور است. همچنین در برابر منتقدان و دولت‌هایی که کشور را به چالش می‌کشند، دیدگاهی خصمانه دارد. به‌منظور مقیاس‌سازی این مفهوم، می‌توان سه محور ارزیابی‌های غیرانتقادی، احساسی و پیشداورانه را مورد توجه قرار داد.

برای سنجش غرور ملی میهن‌دوستانه افراد از پرسش‌نامه فشباخ در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. فشباخ در این پرسش‌نامه برای سنجش این مفهوم بر جنبه‌هایی تأکید دارد که فرد ضمن داشتن ارزیابی‌های انتقادی نسبت به کشورش و تلاش برای رفع کاستی‌های موجود و احترام قائل شدن برای جریان‌های سیاسی اجتماعی متفاوت در جامعه، کشور خود را دوست دارد و به آن مغرور است. به‌منظور مقیاس‌سازی این مفهوم، می‌توان سه محور ارزیابی‌های انتقادی، عاقلانه و غیرپیشداورانه را مورد توجه قرار داد.

۱۰. یافته‌های تحقیق

۱۰-۱. توصیف داده‌ها

بر اساس داده‌های جدول شماره دو، در نمونه مورد مطالعه ۵۶/۲ درصد پاسخ‌گویان زن و ۴۳/۸ درصد پاسخ‌گویان مرد بوده‌اند.

جدول ۲ توزیع فراوانی جنسیت نمونه مورد مطالعه

| جنسیت | فراوانی | درصد فراوانی |
|-------|---------|--------------|
| مرد | ۱۶۸ | ۴۳/۸ |
| زن | ۲۱۶ | ۵۶/۲ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ |

پس از گردآوری نمره‌های پاسخ‌گویان از متغیرهای آگاهی سیاسی، شخصیت اقتدارطلب و دموکراتیک، کارآمدی سیاسی و اجتماعی، نمره‌های آن‌ها به پایین، متوسط و بالا رتبه‌بندی شده است. با توجه به جدول شماره سه، ۲۴/۷ درصد پاسخ‌گویان آگاهی سیاسی‌شان پایین است؛ ۴۶/۶ درصد آگاهی سیاسی متوسطی دارند؛ حدود ۲۸/۶ درصد پاسخ‌گویان هم آگاهی سیاسی‌شان بالاست.

جدول ۳ توزیع فراوانی آگاهی سیاسی نمونه مورد مطالعه

| آگاهی سیاسی | فراوانی | درصد فراوانی |
|-------------|---------|--------------|
| پایین | ۹۵ | ۲۴/۷ |
| متوسط | ۱۷۹ | ۴۶/۶ |
| بالا | ۱۱۰ | ۲۸/۶ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ |

همان‌طور که در جدول شماره چهار مشاهده می‌شود، ۱۳/۸ درصد پاسخ‌گویان شخصیت اقتدارطلبشان پایین است؛ ۴۷/۴ درصد پاسخ‌گویان شخصیت اقتدارطلبشان متوسط است؛ ۳۸/۸ درصد پاسخ‌گویان نیز شخصیت اقتدارطلب بالایی دارند. همچنین مشاهده می‌شود ۵/۲ درصد پاسخ‌گویان شخصیت دموکراتیکشان پایین است؛ ۴۶/۸۷ درصد پاسخ‌گویان شخصیت دموکراتیکشان متوسط است؛ ۴۷/۹۱ درصد هم شخصیت دموکراتیک بالایی دارند. ۰/۶ درصد پاسخ‌گویان کارآمدی اجتماعی‌شان پایین است؛ ۴۰/۴ درصد پاسخ‌گویان کارآمدی اجتماعی متوسطی دارند؛ ۶/۵۳ درصد پاسخ‌گویان هم کارآمدی اجتماعی بالایی دارند. ۸/۱۴ درصد پاسخ‌گویان احساس کارآمدی سیاسی‌شان پایین است؛ ۶/۷۷ درصد پاسخ‌گویان احساس

کارآمدی سیاسی متوسطی دارند؛ ۶/۷ درصد پاسخ‌گویان نیز احساس کارآمدی سیاسی بالایی دارند.

جدول ۴ توزیع فراوانی احساس کارآمدی اجتماعی و کارآمدی سیاسی نمونه مورد مطالعه

| شخصیت اقتدارطلب | فراوانی | درصد فراوانی | شخصیت دموکراتیک | فراوانی | درصد فراوانی |
|-----------------|---------|--------------|-----------------|---------|--------------|
| پایین | ۵۳ | ۱۳/۸ | پایین | ۲۰ | ۵/۲ |
| متوسط | ۱۸۲ | ۴۷/۴ | متوسط | ۱۸۰ | ۴۶/۸۷ |
| بالا | ۱۴۹ | ۳۸/۸ | بالا | ۱۸۴ | ۴۷/۹۱ |
| جمع | ۳۸۴ | ۰/۱۰۰ | جمع | ۳۸۴ | ۰/۱۰۰ |
| کارآمدی اجتماعی | فراوانی | درصد فراوانی | کارآمدی سیاسی | فراوانی | درصد فراوانی |
| پایین | ۲۳ | ۰/۶ | پایین | ۵۷ | ۱۴/۸ |
| متوسط | ۱۵۵ | ۴۰/۴ | متوسط | ۲۹۸ | ۷۷/۶ |
| بالا | ۲۰۶ | ۵۳/۶ | بالا | ۲۹ | ۷/۶ |
| جمع | ۳۸۴ | ۰/۱۰۰ | جمع | ۳۸۴ | ۰/۱۰۰ |

۲-۱۰. تحلیل استنباطی

با توجه به جدول شماره پنج، بین شخصیت اقتدارطلب و غرور ملی ناسیونالیستی هم‌بستگی مثبت وجود دارد (۰/۶۱۹)؛ به این معنا که هرقدر فرد نمره بالاتری در شخصیت اقتدارطلب به‌دست آورده باشد، غرور ملی ناسیونالیستی او نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین بین شخصیت اقتدارطلب و غرور ملی میهن‌دوستانه هم‌بستگی منفی برقرار است (۰/۳۰۹-)؛ یعنی هرقدر فرد نمره بالاتری در شخصیت اقتدارطلب به‌دست آورد، غرور ملی میهن‌دوستانه او کاهش پیدا می‌کند.

رابطه بین شخصیت دموکراتیک و غرور ملی ناسیونالیستی نیز تأیید می‌شود و چون ضریب هم‌بستگی منفی است (۰/۲۷۳-)، نشان‌دهنده این است که هرقدر فرد نمره بالاتری در شخصیت دموکراتیک به‌دست آورده باشد، غرور ملی ناسیونالیستی او کاهش می‌یابد. ضریب هم‌بستگی ۰/۴۳۶ نیز نشان می‌دهد بین شخصیت دموکراتیک و غرور ملی میهن‌دوستانه رابطه‌ای مثبت برقرار است و هرقدر فرد در شخصیت دموکراتیک نمره بالاتری داشته باشد، غرور ملی میهن‌دوستانه او نیز افزایش پیدا می‌کند.

تأملی بر چپستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

بین آگاهی سیاسی و غرور ملی ناسیونالیستی هم‌بستگی منفی برقرار است (۰/۲۰۹-) و هرچه آگاهی سیاسی افراد بیشتر باشد، غرور ملی ناسیونالیستی آن‌ها کمتر است. همچنین ضریب هم‌بستگی مثبت (۰/۰۹۱) بین آگاهی سیاسی و غرور ملی میهن‌دوستانه نشان‌دهنده این است که با زیاد شدن آگاهی سیاسی افراد، غرور ملی میهن‌دوستانه آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. ضریب هم‌بستگی ۰/۴۹۱ در جدول شماره پنج نشان می‌دهد با افزایش احساس کارآمدی سیاسی، غرور ملی ناسیونالیستی افزایش پیدا می‌کند و با کاهش احساس کارآمدی سیاسی، غرور ملی ناسیونالیستی نیز کاهش می‌یابد. همچنین ضریب هم‌بستگی (۰/۱۲۹-) نشان‌دهنده این است که با افزایش احساس کارآمدی سیاسی، غرور ملی میهن‌دوستانه کاهش می‌یابد و با کاهش احساس کارآمدی سیاسی، غرور ملی میهن‌دوستانه افزایش می‌یابد.

بین کارآمدی اجتماعی و غرور ملی ناسیونالیستی هم‌بستگی مثبت برقرار است (۰/۱۹۱-)؛ یعنی با افزایش احساس کارآمدی اجتماعی، غرور ملی ناسیونالیستی افزایش پیدا می‌کند و با کاهش آن، غرور ملی ناسیونالیستی نیز کم می‌شود. همچنین رابطه بین کارآمدی اجتماعی و غرور ملی میهن‌دوستانه نیز با سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنادار تلقی می‌شود. ضریب هم‌بستگی مثبت (۰/۱۱۲) نیز نشان می‌دهد با افزایش احساس کارآمدی اجتماعی، غرور ملی میهن‌دوستانه نیز افزایش پیدا می‌کند و با کاهش آن، غرور ملی میهن‌دوستانه افزایش می‌یابد.

جدول ۵ آزمون هم‌بستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل با غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه

| تعداد پاسخ‌گویان | سطح معناداری | ضریب هم‌بستگی پیرسون | |
|------------------|--------------|----------------------|---|
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۱۹ | شخصیت اقتدارطلب و غرور ملی ناسیونالیستی |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | -۰/۲۱۷ | شخصیت اقتدارطلب و غرور ملی میهن‌دوستانه |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | -۰/۲۷۳ | شخصیت دموکراتیک و غرور ملی ناسیونالیستی |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۳۶ | شخصیت دموکراتیک و غرور ملی میهن‌دوستانه |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | -۰/۲۰۹ | آگاهی سیاسی و غرور ملی ناسیونالیستی |
| ۳۸۴ | ۰/۰۴۶ | ۰/۰۹۱ | آگاهی سیاسی و غرور ملی میهن‌دوستانه |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۹۱ | کارآمدی سیاسی و غرور ملی ناسیونالیستی |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | -۰/۱۲۹ | کارآمدی سیاسی و غرور ملی میهن‌دوستانه |
| ۳۸۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۹۱ | کارآمدی اجتماعی و غرور ملی ناسیونالیستی |
| ۳۸۴ | ۰/۰۲۸ | ۰/۱۱۲ | کارآمدی اجتماعی و غرور ملی میهن‌دوستانه |

در ادامه، به منظور تبیین تغییرات و واریانس متغیر غرور ملی ناسیونالیستی از طریق متغیرهای مستقل، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. جدول شماره شش نشان می‌دهد ۴۶ درصد واریانس غرور ملی ناسیونالیستی توسط متغیرهای مستقل پژوهش تعیین شده و ۵۴ درصد واریانس غرور ملی ناسیونالیستی تحت تأثیر متغیرهای دیگر است.

جدول ۶ تحلیل رگرسیون چندمتغیره غرور ملی ناسیونالیستی

| ضریب هم‌بستگی چندگانه R | ضریب تعیین | ضریب تعیین واقعی |
|-------------------------|------------|------------------|
| ۰/۶۸۲ | ۰/۴۶۵ | ۰/۴۵۸ |

با توجه به جدول شماره هفت، می‌توان نتیجه گرفت که شخصیت اقتدارطلب، آگاهی سیاسی و کارآمدی سیاسی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ توانسته‌اند واریانس غرور ملی ناسیونالیستی را تعیین کنند. ضرایب بتای این متغیرها نشان می‌دهد شخصیت اقتدارطلب بیشترین اثر را در تعیین واریانس غرور ملی ناسیونالیستی، و آگاهی سیاسی هم کمترین اثر را در تعیین واریانس غرور ملی ناسیونالیستی داشته‌اند.

جدول ۷ سطح معناداری متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته غرور ملی ناسیونالیستی

| sig | t | ضرایب غیراستاندارد | | منبع تغییرات |
|-------|--------|--------------------|----------------|-----------------|
| | | ضرایب استاندارد | خطای استاندارد | |
| ۰/۰۰۰ | ۹/۱۶۰ | ۰/۴۳۶ | ۰/۰۴۲ | شخصیت اقتدارطلب |
| ۰/۱۴۳ | -۱/۱۷۰ | -۰/۰۴۸ | ۰/۰۴۰ | شخصیت دموکراتیک |
| ۰/۰۰۰ | -۵/۴۵۷ | -۰/۳۱۰ | ۰/۱۱۴ | آگاهی سیاسی |
| ۰/۱۴۷ | ۱/۴۵۳ | ۰/۰۵۶ | ۰/۰۴۳ | کارآمدی اجتماعی |
| ۰/۰۰۰ | ۵/۶۶۶ | ۰/۲۵۶ | ۰/۰۳۴ | کارآمدی سیاسی |

برای تعیین تغییرات و واریانس متغیر غرور ملی میهن‌دوستانه از طریق متغیرهای وابسته از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به داده‌های جدول شماره هشت، حدود ۲۵ درصد واریانس غرور ملی میهن‌دوستانه توسط متغیرهای مستقل پژوهش تعیین شده

تأملی بر چپستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران
 است. اما ۷۵ درصد واریانس غرور ملی میهن‌دوستانه توسط این متغیرهای مستقل تبیین نشده
 و تحت تأثیر متغیرهای دیگری است.

جدول ۸ تحلیل رگرسیون چندمتغیره غرور ملی میهن‌دوستانه

| ضریب هم‌بستگی چندگانه R | ضریب تعیین | ضریب تعیین واقعی |
|-------------------------|------------|------------------|
| ۰/۵۰۲ | ۰/۲۵۲ | ۰/۲۴۲ |

بر اساس داده‌های جدول شماره نه می‌توان نتیجه گرفت شخصیت دموکراتیک، آگاهی
 سیاسی و کارآمدی اجتماعی با سطح معناداری پایین‌تر از ۰/۵۰ توانسته‌اند واریانس غرور ملی
 میهن‌دوستانه را تبیین کنند. با توجه به ضرایب بتا، از بین این متغیرهای مستقل به ترتیب
 شخصیت دموکراتیک بیشترین اثر و آگاهی سیاسی کمترین اثر را در تعیین واریانس غرور ملی
 میهن‌دوستانه داشته‌اند.

جدول ۹ سطح معناداری متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته غرور ملی میهن‌دوستانه

| sig | t | ضرایب استاندارد | | منبع تغییرات |
|-------|--------|------------------------|---|-----------------|
| | | ضرایب استاندارد بتا | ضرایب غیراستاندارد خطای استاندارد B | |
| ۰/۱۶۳ | -۱/۳۹۸ | -۰/۰۷۹ | ۰/۰۳۲ | شخصیت اقتدارطلب |
| ۰/۰۰۰ | ۹/۱۹۳ | ۰/۴۴۶ | ۰/۰۳۱ | شخصیت دموکراتیک |
| ۰/۰۲۴ | ۲/۲۷۳ | ۰/۱۰۳ | ۰/۰۸۷ | آگاهی سیاسی |
| ۰/۰۰۱ | ۳/۳۱۰ | ۰/۱۵۳ | ۰/۰۳۳ | کارآمدی اجتماعی |
| ۰/۱۸۸ | ۰/۱۴۰ | ۰/۰۰۸ | ۰/۰۲۶ | کارآمدی سیاسی |

نتیجه‌گیری

شخصیت اقتدارطلب با غرور ملی ناسیونالیستی رابطه مثبتی داشته است؛ به گونه‌ای که هر قدر
 فرد اقتدارطلب‌تر باشد، ناسیونالیست‌تر می‌شود. در مقابل، همین متغیر مستقل رابطه منفی با
 غرور ملی میهن‌دوستانه از خود نشان داده است؛ یعنی هر قدر فرد نمره بالاتری در شخصیت
 اقتدارطلب به دست آورد، غرور ملی میهن‌دوستانه او کمتر است. فرد اقتدارطلب عرفگرا،

سلطه‌پذیر، اقتدارطلب و سلطه‌گر پرخاش جو است. فرد ناسیونالیست هم متعصب است، دیدی خصمانه به برون‌گروه دارد و انتقادپذیر نیست؛ پس این متغیر وابسته با شخصیت اقتدارطلب رابطه مثبتی را نشان می‌دهد. در مقابل، از آنجایی که لازمه میهن‌دوستی، دل‌بستگی عاطفی به کشور بدون داشتن نگرشی خصمانه به سایر کشورها و بدون انکار ضعف‌ها و نارسایی‌های موجود در کشور است؛ بنابراین این متغیر وابسته رابطه‌ای منفی با شخصیت اقتدارطلب خواهد داشت.

شخصیت دموکراتیک و دانش سیاسی رابطه‌ای منفی با غرور ملی ناسیونالیستی دارند؛ یعنی هرقدر فرد دموکرات‌تر باشد، غرور ملی ناسیونالیستی پایین‌تری دارد و هرقدر دانش سیاسی او بالاتر باشد، غرور ملی ناسیونالیستی او کاهش می‌یابد. در مقابل، همین متغیرهای مستقل رابطه مثبتی با غرور ملی میهن‌دوستانه از خود نشان داده‌اند؛ یعنی هرقدر فرد دموکرات‌تر باشد، غرور ملی میهن‌دوستانه بیشتری از خود نشان می‌دهد و هرقدر دانش سیاسی بیشتری داشته باشد، غرور ملی میهن‌دوستانه او نیز افزایش می‌یابد. فرد دموکرات از سلطه‌جویی بر دیگران پرهیز می‌کند و از قدرتمندان کورکورانه اطاعت نمی‌کند. فردی که آگاهی سیاسی بالایی دارد، مسائل مختلف در حوزه سیاست را درک می‌کند و ضمن آگاهی از جریان‌های مختلف سیاسی، با بصیرت جهت‌گیری سیاسی خود را نسبت به امور مختلف انتخاب می‌کند. با توجه به تعریفی که بارها از غرور ملی میهن‌دوستانه بیان شد، پس این متغیر رابطه مثبتی با شخصیت دموکراتیک و دانش از خود نشان می‌دهد. غرور ملی ناسیونالیستی هم رابطه‌ای منفی با متغیرهای مستقل ذکر شده دارد.

احساس کارآمدی سیاسی در نمونه مورد مطالعه رابطه‌ای مثبت با غرور ملی ناسیونالیستی و رابطه‌ای منفی با غرور ملی میهن‌دوستانه از خود نشان می‌دهد؛ درحالی که در مطالعات پیشین در آمریکا (Schatz, 1994; Schatz & Staub, 1999) نتیجه‌ای متفاوت مشاهده شده است. در جامعه آمریکا، احساس کارآمدی سیاسی رابطه‌ای منفی با غرور ملی ناسیونالیستی و رابطه‌ای مثبت با غرور ملی میهن‌دوستانه از خود نشان داد. همچنین احساس کارآمدی اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت هم با میهن‌دوستی و هم با ناسیونالیسم است؛ درحالی که در مطالعات شاتز و استاب، احساس کارآمدی سیاسی رابطه‌ای مثبت با میهن‌دوستی و رابطه‌ای منفی با ناسیونالیسم داشت. اختلاف نتایج در این فرضیه

تأملی بر چپستی غرور ملی و برخی از ... _____ سیدعلی هاشمیانفر و همکاران
می تواند به پیشینه فرهنگی و تفاوت در ساختارهای سیاسی در بین دو نمونه مورد مطالعه
مربوط باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصولی که از حقوق انسانی و آزادی و برابری بازتولید می‌شود و شکل انسجام‌یافته قانونی است که خود را از طریق مشارکت سیاسی بازتولید می‌کند.
۲. تحسین قدرت، پرخاشگری نسبت به برون‌گروه، سلطه‌پذیری از اقتدار، پیروی از رسوم، انعطاف‌ناپذیری، فرافکنی، ویرانگری و کلبی‌مسلکی و نگرانی در مورد موضوعات جنسیتی.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۴). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- اتینکسون، ریتا ال و دیگران. (۱۳۸۵). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه محمدنقی براهینی و دیگران. تهران: رشد.
- بدار، لوک و دیگران. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حمید گنجی. تهران: ساوالان.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). *درس‌های دموکراسی برای همه*. تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۵). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران: سهامی انتشار.
- عبداللهی، بیژن. (۱۳۸۵). «نقش خودکارآمدی در توانمندسازی کارکنان». *ماهنامه تدبیر*. س ۱۷. ش ۱۶۸.
- لیبست، سیمور مارتین و دیگران. (۱۳۸۳). *دایرةالمعارف دموکراسی*. ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- منوچهری، عباس و محمود نجاتی حسینی. (۱۳۸۵). «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس». *نامه علوم اجتماعی*. ش ۲۹.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: سمت.

– وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. دفتر طرح‌های ملی.

- Bandura, Albert. (2000). *Exercise of human agency collective efficacy*. Department of psychology, Stanfoed university, Stanford, California, American psychological society.
- Brubaker, Rogers. (2004). "In the name of nation: Reflections on nationalism and patriotism". *Citizenship studies*. Vol. 8. No. 2. PP.115-127.
- Callan, Eamonn. (2006). "Love, identity and patriotism". *Social theory and practice*. Vol. 32. No. 4.
- Chors, Christopher et al. (2005). "Effects of Right-wing Authoritarianism and threat from Terrorism on restriction of civil liberties". *Analyses of social and public policy*. Vol. 5. No. 1. PP. 163-276.
- De Figueiredo, Rui J. P. & Zachary Elkins. (2002). *Are patriots Bigots? An Inquiry into the vices of In-group pride*. University of California, Berkely.
- Donahue, Tom. (2007). *Book Review: for love of country*. University of Chicago.
- Hayward, Clarissa Rile. *Democracy s identity problem: Is constitutional patriotism the answer?* paper Number 27.
- Luksyte, Aleksandra & Derek R. Avery. (2010). "The effects of citizenship dissimilarity and national pride on attitudes toward immigrants: Investigating mediators and moderators of intergroup contact". *International Journal of intercultural Relations*. University of Houston.
- Muller, Jan-Werner. (2006). "On the origins of constitutional patriotism". 5. PP. 278-296.
- Orwell, George. (1945). "Notes on Nationalism". *A magazine of philosophy and Aesthetics*. No. 1.
- Kasterman, Rick & Seymour Feshbach. (1989). "Toward a measure of patriotic and nationalistic attitudes". *Political psychology*. Vol. 10. No. 2. PP. 257-274.
- Schatz, Robert T. (1994). *On being a good American: Blind versus constructive patriotism*. Ph. D university of Mossachusetts.
- Schatz, Robert T. & Ervin Staub. (1999). "On the varieties of national attachment: Blind versus constructive patriotism". *Political psychology*. Vol. 20. No. 1.

تأملی بر چیستی غرور ملی و برخی از ... سیدعلی هاشمیانفر و همکاران

- Smith, Tom W. & Seokho Kim. (1998). "National pride in cross-national and temporal perspective". *NORC university of Chicago, International journal of public opinion*. Research-18. PP. 127-136.
- Viroli, Maurizio. (1995). *For love of country: An essay on patriotism and nationalism*. Oxford university press.